



سرداران شهید

نام پدر: جعفر تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۰۵/۰۸
محل تولد: کازرون عضویت: سپاه پاسداران
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۸
محل شهادت: عملیات کربلای ۵ – شلمچه
مسئولیت: معاون یگان دریایی محل دفن: کازرون – گلستان شهدا (امام‌زاده سید محمد نوربخش)



شرح زندگی شهید:

هشتم مردادماه ۱۳۴۱ در شهرستان کازرون کودکی متولد شد که خانواده مذهبی خود را غرق شادی و سرور کرد و در محیطی سراسر معنویت به‌عنوان اولین فرزند ذکور خانواده پا به عرصه این جهان گذاشت با به دنیا آمدن کاظم زندگی حیاتی دیگر و خدایی خاص مجوز گرفت و محیط خانواده وی از قداست خاصی

برخوردار گشت، او در این محیط رشد کرده تا اینکه به سن ۶ سالگی رسید در این زمان بود که پا به محیط تعلیم و تربیت بگذازد او برای تحصیل وارد دبستان مجتهد شده و دوره ابتدائی خود را در این مدرسه به پایان رساند بعد از آن وارد مدرسه راهنمایی شهید قائدی (ادب سابق) شد و دوره سه‌ساله راهنمایی را در آنجا گذراند و بدنبال آن برای ادامه تحصیل به هنرستان صنعتی دکتر شریعتی کازرون وارد شد. در محیط هنرستان عضو انجمن اسلامی دانش آموزان شد و در این نهاد نوپا فعالیت چشمگیری از خود نشان داد و سال‌های اول تا سوم را با موفقیت پشت سر گذاشت در این زمان بود که ندای (هل من ناصرأ حسین زمان) را بگوش دل شنید و برای رویارویی با کفار بعثی که به کشور اسلامی ما تجاوز کرده بودند رهسپار جبهه‌های نور شد و بعد از مدتی که در جبهه‌ها به نبرد با بعثیان ملحد مشغول بود به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کازرون درآمد و در لباس مقدس پاسداران وظیفه خطیر حفاظت از ارزش‌های اسلامی را بهعهده گرفت.

از اوایل جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران در جبهه‌ها به سر می‌برد و عشق عجیبی نسبت به مبارزه و دفاع مقدس داشت فرامین امام را با تمام وجود دریافت کرده و به آنها عمل می‌نمود در راه خدمت به اسلام و مبارزه پیکار با کفار بعثی با تمام سختی‌ها و مشکلات، دست‌وپنجه نرم می‌کرد و در این راه از هیچ گونه فداکاری دریغ نمی‌نمود. در میدان‌های نبرد مسئولیت‌های عمده و کلیدی بهعهده داشت و رزمندگان همسنگرش شجاعت و صداقت عجیب او را تحسین کرده و عشق وصف‌ناپذیری به او داشتند.

حاج کاظم نه‌تنها معاون یگان دریایی لشکر مستقل المهدی (عج) بود بلکه در هنگام عملیات جهت یاری رسانیدن همسنگران خود در واحدهای دیگر به آنها پیوست. او در مصاف با بعثیان چندین بار در عملیات رمضان، خیبر والفجر و کربلای چهار مجروح شد و بدنش آماج ترکش‌های خمپاره گشته بود بطوری که تا لحظه شهادت تعداد زیادی ترکش در قسمت‌های مختلف بدنش وجود داشت و هر وقت به او می‌گفتند تحت عمل جراحی قرار گیرد و ترکش‌ها را بیرون بیاورد اظهار می‌داشت: که انشاءالله بعد از جنگ.

شاید می‌خواست که در سرای دیگر اینها مدارکی باشند گواه حقانیت و سند و افتخار در نزد محبوب حقیقیش.

حاج کاظم عزیز، در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۱۰ ازدواج کرد و بدین طریق سنت رسول اکرم (ص) عمل کرد ولی چون عمل به وظیفه الهی

سردار شهید حاج محمدکاظم حسینیعلی پور

را تکلیف خود می‌دانست به دنیا و سیمای فریبنده‌اش تمایل و با اینکه مدت اندکی از ازدواجش نمی‌گذشت باز در میدان‌های پیکار حاضر بود و نبرد مقدس خود را ادامه داد تا به معبودش لبیک گفته و این دنیا را رها کرده و راهی دیار باقی شد.

خاطراتی از زبان دوستان و همسنگران شهید محمدکاظم حسینیعلی پور:

شهید عزیز در هنگام عملیات همانند همه رزمندگان دلیر اسلام دلاورانه می‌جنگند و هیچ‌گونه خوفی در دل نداشت و ضمن اینکه به نبرد شجاعانه مشغول می‌شد یا دلسوزی برای دیگر رزمندگان به شمار می‌رفت در مواقعی که رزمنده‌ای مجروح می‌شد و یا به درجه رفیع شهادت نائل می‌گشت حاج کاظم عزیز آنها را بدوش کشیده و از خط مقدم دور می‌نمود بطوری که دلسوزی و صداقت از زبانزد رزمندگان اسلام گشته بود.

بقول دوستانش در عملیات کربلای چهار پیکر پاک شهدا را از بین باتلاق و مرداب‌ها بدوش کشیده و به سمت نیروهای اسلام منتقل می‌کرد و با اینکه آتش دشمن بسیار سنگین بود ولی او بدون توجه به آتش مشغول بود و فریاد می‌کشید که من لیاقت شهادت را نداشته و خداوند این و فیض عظیم را نصیبم نکرد.

در همین عملیات کربلای چهار حاج کاظم قهرمان بوسیله گلوله خمپاره از چهار (۴) ناحیه بدن مجروح می‌شود و ترکش‌های خمپاره به پاها و دست و کتفش اصابت می‌کند ولی چون او از صداقت و اخلاص بسیار برخوردار بود موضوع مجروح شدنش را از دیگران مخفی نگه می‌دارد موقعی که به کازرون مراجعت می‌کند با اینکه نمی‌توانست درست راه برود سعی می‌کرد که قدم‌هایش را صحیح بردارد که جلب‌توجه نکند.

یکی از ترکش‌ها که به زانویش خورده بود او را بسیار ناراحت کرده و ترکش‌ها اذیت می‌نمود بطوری که تحملش مشکل بود وی بدون اطلاع خانواده بوسیله عمل جراحی آنها را بیرون می‌آورد و باز جهت شرکت در عملیات کربلای ۵ راهی دیار عاشقان می‌گردد.

در مرحله اول عملیات کربلای ۵ بعد از ساعت‌ها درگیری و مبارزه با کفار بعثی شهید حاج کاظم موج‌شکن بوسیله موج انفجار مجروح شده و به بیمارستان اهواز انتقال و تحت مداوا قرار می‌گیرد زمانی که از آغاز مرحله دوم عملیات آگاه می‌شود با لباس بیمارستان فرار کرده و خود را به خط مقدم جبهه می‌رساند در شب عملیات

ورزشی

معرفی بزرگان ورزش کازرون این شماره؛ غلامحسین ابراهیم پور

سال ۱۳۵۵ تیم شهپاز که یک تیم کاملاً جوان و یکدست بود با بازی‌های زیبا و سراسر هجومی جایگاه ویژه ای در دل تماشاگران کازرونی بدست آورد. این تیم با اقتدار به فینال باشگاه‌های کازرون راه یافت و در بازی فینال تیم پرقدرت رستاخیز را با دو گل شکست داد که زنده یکی از این دو گل غلامحسین ابراهیم پور بود. غلامحسین خیلی زود به اوج شهرت رسید. شوت‌های وحشتناک و پرقدرت سرعت سرسام‌آور و تکنیک منحصر بفرد از خصوصیات فنی ایشان بود و از لحاظ اخلاقی نیز از بهترین‌ها بودند.

غلامحسین ابراهیم پور بارها در دوهای سرعت ۱۰۰ و ۲۰۰ متر به مقام قهرمانی رسید و همین امر باعث شد که تماشاگران در کازرون به ایشان لقب پلنگ کازرون دادند. ایشان علاوه بر فوتبال و دوهای سرعت در والیبال آموزشگاه‌ها نیز ا ز بهترین و افتخارآفرین‌ها بودند.

غلامحسین ابراهیم پور بعد از قهرمانی در سال ۵۵ با تیم شهپاز و با تغییر نام این تیم به تاج در سال ۵۶ نیز مجدداً به مقام قهرمانی در هردو رده بزرگسالان و جوانان باشگاه‌های کازرون شدند. و در سال ۱۳۵۷ بعد از شکست از تیم پرسپولیس به مقام نایب‌قهرمانی رسید در سال ۱۳۵۸ مجدداً با تیم استقلال به مقام قهرمانی کازرون و در سال ۱۳۵۹ به مقام نایب‌قهرمانی دست یافت. دراین مدت بارها به تیم منتخب کازرون دعوت شد ولی به خاطر نارضایتی مرحومه مادرشان از همکاری با تیم منتخب انصراف داد تا اینک بالاخره در سال ۱۳۶۴ و با جلب رضایت مادر به تیم منتخب پیوست و با این تیم به مقام نایب‌قهرمانی در فارس دست یافت و در همین سال و در سن ۲۸ سالگی برای همیشه با لباس تیم استقلال (ابومسلم) از میدان ورزش خداحافظی کرد. غلامحسین ابراهیم پور بهترین گل خود را به تیم کیان شیراز در بازی برگشت در کازرون زده (۱-۳) بنفع تاج کازرون) ولی گل به تیم انقلاب و گل به تیم اکباتان که از نقطه کرنر وبصورت مستقیم زده را فراموش نشدنی می‌داند (۳ گل بدین طریق زده)

از بازی در کنار رحیم برزرگر و محمود دهقان در تیم باشگاهی و در تیم منتخب در کنار قاسم رحمانی محمدحسن دهقانی و ماشالله دژ کام احساس رضایت و خشنودی می‌کند و تنها مدافع سرسخت در مقابل خود را سید محمود موسوی مدافع تیم رستاخیز و انقلاب می‌داند. و از مربیان خود آقایان راسخ /برزگر /عبادی/ کشتکار / هنرمند وویوسف جعفری به نیکی یاد می‌کند. همچنین از سعید تقیبی همبازی خود به‌عنوان مشوق یاد می‌کند.

غلامحسین خان خدا قوت و خسته نباشی

محمدرضا پولادی



دکتر داودی عضو کمیته پزشکی فدراسیون هندبال کشور شد

جناب آقای دکتر داودی، نظر به تعهد، تخصص و شایستگی حضرت‌عالی و به موجب این ابلاغ شما را به سمت عضو کمیته پزشکی فدراسیون و مشاور این جانب در حوزه پزشکی فدراسیون منصوب می‌نمایم.

لازم به ذکر است که با توجه به برگزاری مسابقات جوانان آسیا در مهرماه سال جاری در شیراز، دکتر داودی به عنوان دبیر کمیته پزشکی فدراسیون در این دوره از مسابقات حضور خواهد داشت.

- ۱۹ تیر ماه ۱۳۹۹

- شماره ۹۹

- سال چهارم

پنجشنبه

دوستانش با ناباوری صدایش را می‌شنوند و او را در کنار خود می‌بینند وقتی به او می‌گویند که شما باید الان در بیمارستان باشید به آنها اعتراض کرده و اظهار می‌دارد شما نباید جلو من را بگیرید من برای انجام عملیات آماده شده‌ام و در همین مرحله از عملیات کربلای پنج است که بوسیله خمپاره ۱۲۰ کفار بعثی هدف قرار می‌گیرد و ندای حق را لبیک گفته و با جاری کردن شهادتین به وصال محبوب و مقصودش می‌رسد.

خلاصه‌ای از وصیتنامه شهید:

هیچکس نیست که بتواند مرگ خود را به تأخیر بیندازد و این مسئله مرگ از اول خلقت بوده و هست و خواهد بود اگر قرار باشد کسی از مرگ خلاص یابد چه کسی مقدم بر حضرت رسول اکرم، ولی این‌چنین نیست، ای انسان‌های غافل و کسانی که شیطان یاد مرگ را در دل‌های شما ریوده است به فکر باشید که این مرگ باید همه را در برگیرد.

پس لااقل به همان اندازه که برای دنیای فانی خود توشه بر می‌دارید برای آخرت هم توشه بردارید بدانید که سفر آخرت بسیار سخت است و همه باید از این راه پر پیچ و خم و طولانی عبور کند، عبور از این راه احتیاج فراوان به توشه راه دارد اگر کسی این توشه را هنگام مرگ به همراه نداشته باشد در راه می‌ماند و نمی‌تواند به مقصدی نیکو برسد.

پس بیایید و عاقلانه فکر کنید و پیوسته بیاد آن سفر سخت و طولانی آخرت باشید و برای آخرت خود عمل صالح پس‌انداز نمایند بگوشتید دست از این مال دوستی و مقام‌پرستی بردارید، علاقه خود را نسبت به مادیات کم کنید که این مادیات نفعی در سرای ابدی به شما نمی‌رساند و شاید هم مضر باشد.

من به‌عنوان کسی که تنها و تنها برای دفاع از حاکمیت اسلام و نظام جمهوری اسلامی و اطاعت از خدای متعال طبق وظیفه اسلامی و انسانی خود و دور او مادیات و تصببات دنیوی وارد در جنگ شده‌ام و در این راه شهید شده‌ام به شما سفارش می‌کنم که تقوای الهی را که بهترین و والاترین وسیله نجات انسان در رساندن به کمالات دنیوی و اخروی است را رعایت نمایند خدا را در همه حال به یاد داشته باشید تا انشاءالله الطاف الهی شامل حالتان بگردد. روحشان شاد راهشان پر رهرو

روابط عمومی و تبلیغات تیپ نکاور امام سجاد (ع) کازرون

فوتبال کازرون در چالش



تیم‌های باشگاهی و برگزاری مسابقات و بهترین مکان برای کشف استعدادها، که متأسفانه با گسترش شهری این زمین‌ها یک به یک از بین رفتند و این خود در افول و غروب فوتبال کازرون بسیار مؤثر و تأثیرگذار بود. اگر اراده واقعی برای احیای فوتبال کازرون باشد با یک اتحاد و وحدت می‌توان زمین‌های خاکی را در اطراف شهر ایجاد و احیا کرد.

نیروی انسانی متخصص

هر سیستم کارآمد برای گردش خود باید از نیروی انسانی متخصص و به‌روز بهره‌مند باشد که فوتبال نیز با توجه به قدرت نفوذ خود از این قاعده استثناء نیست. نیروی انسانی خود به چند بخش تقسیم می‌شود ۱- پرورش مدیران متخصص فوتبالی و یا ورزشی (که در همه دنیا مرسوم بوده) ۲-پرورش مربیان آموزش‌دیده و تحصیل کرده ۳- پرورش داوران کارآزموده ۴- ایجاد و فراهم‌سازی فرهنگ ورزشی جهت داشتن هواداران آشنا به فرهنگ ورزش

احیای ورزش محلات

از دیگر ستون‌های احیا فوتبال باید به ورزش محلات جهت گسترش ورزش میان همه قشرها و در همه نقاط جهت شناسایی استعدادهای بالقوه اشاره کرد. ورزش محلات در پخته شدن و آبدیده شدن یک ورزشکار یا فوتبالیست نقش مهم و حیاتی دارد.

و در آخر کازرون از نظر جغرافیایی در مسیر وهمجوار با استان‌های خوزستان و بوشهر دو استان فوتبالیخیز قرار دارد و همچنانکه درگذشته این همجواری موجب رفت وآمد فوتبالیست‌های این دو استان در کازرون بوده می‌توان از این فاکتور تیز با برگزاری مراودت ورزشی مؤثر و مفید فایده باشد.

که صد البته تمامی این‌ها منوط به خواست واقعی جهت برون رفت فوتبال کازرون از شکل و شمایل فعلی آن است.

محمدرضا پولادی